

بررسی و مقایسه قانون جدید هیأت منصفه (بخش دوم و پایانی)

محمود صوفی آبادی^۱

بررسی و مقایسه قانون جدید هیأت منصفه

در سال ۱۳۸۰ دو طرح و لایحه در مجلس شورای اسلامی مطرح گردید: «طرح تشکیل هیأت منصفه» و «لایحه جرم سیاسی». یک فوریت طرح تشکیل هیأت منصفه در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۶ به تصویب رسید و خود طرح با حدود دو سال تأخیر و با اصلاحاتی در عنوان و متن در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ به تصویب رسید و شورای نگهبان نیز آن را تأیید نمود و بدین ترتیب قانون جدید هیأت منصفه از تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان گذشت و لازم‌الاجرا گردید. لایحه جرم سیاسی در همان سال به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که با ایرادات عدیده شورای نگهبان مواجه شد و بدین جهت این مصوبه مجلس مراحل نهایی تصویب و اجرا را طی ننمود و قدرت اجرایی نیافت. مواد ۸ تا ۲۱ مصوبه مجلس درباره جرم سیاسی به موضوع هیأت منصفه جرایم سیاسی اختصاص یافته بود.

بنابراین تنها در صورت تصویب نهایی این لایحه و یا تصویب طرح یا لایحه جدید دیگر است که با تعریف جرم سیاسی و تعیین مصادیق آن برای اولین بار در دادرسی

جرایم سیاسی ما شاهد حضور هیأت منصفه خواهیم بود. از این توضیح مقدماتی این نتیجه به دست می‌آید که با تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون جدید هیأت منصفه، دوگانگی ترکیب و دادرسی هیأت منصفه درباره جرایم مطبوعاتی و جرایم سیاسی برداشته شده است و در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی هیأت منصفه واحدی مطابق قانون جدید هیأت منصفه تشکیل می‌گردد. بنابراین در حال حاضر مشکل حضور هیأت منصفه در رسیدگی به جرایم سیاسی وجود ندارد بلکه مشکل در عدم تعیین مصادیق جرایم سیاسی است که امیدواریم هرچه زودتر این مسأله نیز با کمک متولیان امر به ویژه مجلس شورای اسلامی مرتفع گردد. در این جا باید گفت که در بررسی قانون جدید هیأت منصفه مقایسه با قانون مطبوعات (اصلاحی سال ۱۳۷۹) بیشتر از همه مطمئن نظر واقع خواهد شد و در این راستا ابتدا خود قانون جدید هیأت منصفه مورد بررسی قرار گرفته و سپس در مقایسه با قانون قبلی به نقاط قوت و مثبت و نیز به جنبه‌های دیگر آن خواهیم پرداخت.

الف - صلاحیت هیأت منصفه

همان‌طور که در مباحث گذشته اشاره شد در حقوق ایران به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی صلاحیت محدود هیأت منصفه پذیرفته شده است. در ماده یک قانون جدید هیأت منصفه نیز به تبعیت از قانون اساسی آمده است:

«رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در دادگاه صالحه صورت می‌گیرد هیأت منصفه در دادگاه‌های تحت نظر قوه قضاییه طبق این قانون تشکیل می‌گردد».

ماده ۳۴ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ مقرر می‌داشت: «رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می‌تواند در صلاحیت محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت علنی بودن و حضور هیأت منصفه الزامی است. تبصره - به جرایم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استانها رسیدگی می‌شود».

با مقایسه این دو ماده، تغییر محسوسی از نظر محتوا به نظر نمی‌آید هرچند که ماده

یک قانون جدید با به کار بردن عبارت «دادگاه‌های تحت نظر قوه قضاییه» در واقع محاکم عمومی و اختصاصی را مورد نظر دارد. البته باید گفت که رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی در محاکم اختصاصی به دلیل وجود مقررات خاص آن دادگاه‌ها می‌تواند موجبات تحدید حقوق آنان را فراهم آورد از این رو دادگاه‌های عمومی در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی صالح‌تر می‌باشند.^۱

قابل ذکر است با توجه به تبصره یک ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ در حال حاضر دادگاه کیفری استان به عنوان مرجع صالح برای رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی تعیین گردیده است. موضوع صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت در خصوص رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی نیازمند بحث مستقلی است که خارج از حوصله این تحقیق می‌باشد و باید در جای دیگری به آن پرداخته شود.

ب - طرز تعیین اعضای هیأت منصفه

تعداد اعضا، مدت عضویت و نحوه شرکت آنها در جلسات دادرسی: طبق ماده ۳۶ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ انتخاب هیأت منصفه به صورت زیر مقرر شده بود: هر دو سال یکبار در مه‌ماه جهت تعیین اعضاء هیأت منصفه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و نماینده شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استانها به دعوت مدیر فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان و رئیس شورای شهر مرکز استان و رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی جلسه‌ای تشکیل می‌شود. هیأت مذکور در تهران ۲۱ نفر و در سایر استانها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه‌های مختلف اجتماعی (روحانیون، استادان دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و

بسیجیان) به عنوان اعضاء هیأت منصفه انتخاب می‌کند. همچنین به موجب ماده ۳۸، پس از انتخاب اعضاء هیأت منصفه مراتب توسط رئیس کل دادگستری استان به اعضا ابلاغ می‌گردد. دادگاه رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی، حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی از تمامی اعضای هیأت منصفه دعوت می‌کند تا در جلسه محاکمه حضور یابند دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضای هیأت منصفه رسمیت خواهد یافت.

آنچه قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ همانند لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ در خصوص نحوه انتخاب اعضای هیأت منصفه بر آن تأکید داشت، انتصابی بودن اعضای هیأت منصفه توسط یک هیأت چهار یا پنج نفری حکومتی بود که این روش انتصابی همان گونه که در مبحث نارسایی‌ها بیان گردید مغایر با هدف و فلسفه اصلی حضور هیأت منصفه در محاکمات یعنی مشارکت افراد عادی در دادرسی است. قانون جدید هیأت منصفه در مواد ۲، ۳، ۵، ۶ و ۷ و ۸ در جهت تحقق سیاست جنایی مشارکتی و مرتفع ساختن نارسایی یاد شده با تغییر شیوه انتصابی به انتخابی چنین مقرر نموده است:

ماده ۲: اعضای هیأت منصفه از بین اصناف و گروه‌های مختلف اجتماعی نظیر روحانیون، اساتید دانشگاه، دانشجویان، پزشکان، مهندسان، کارگران، کشاورزان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، معلمان، وکلای دادگستری، کارمندان، هنرمندان، پیشه‌وران و تجار برای مدت چهار سال انتخاب می‌گردند.

ماده ۳: انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت منصفه هر استان از بین اقشار و صنوف مختلف از طریق اعلام عمومی و جمع‌آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در هیأت منصفه به قید قرعه و به صورت علنی خواهد بود. هیأت منصفه هر استان در اولین جلسه خود یکی از اعضا را برای مدت دو سال به عنوان دبیر هیأت منصفه انتخاب خواهد کرد.

دبیر، مسئولیت اداره دبیرخانه را به عهده دارد حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره مسئولیت دبیر، دبیر جدید به وسیله هیأت منصفه انتخاب خواهد شد.

ماده ۵: تعداد اعضای هیأت منصفه در استان تهران پانصد نفر و در استانهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر دویست و پنجاه نفر و در استانهای با جمعیت کمتر از

یک میلیون نفر یکصد و پنجاه نفر می‌باشد.

تبصره یک: پس از تعیین دو سوم اعضاء، هیأت منصفه رسمیت می‌یابد.

تبصره دو: حداقل سه ماه قبل از پایان دوره هیأت منصفه برای انتخاب هیأت منصفه جدید اقدام خواهد شد. ترتیب انجام امور باید به نحوی باشد که حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره هیأت منصفه، اعضاء هیأت منصفه بعدی مشخص شده باشند.

ماده ۶: هیأت منصفه هر محاکمه براساس قرعه در تهران بیست و یک نفر و در سایر مراکز استانها چهارده نفر انتخاب می‌شوند، دبیر هیأت منصفه ده روز قبل از زمان برگزاری دادگاه با دعوت از نمایندگان دادگستری و شورای شهر مرکز استان و وکیل یا نماینده متهم و شاکی قرعه‌کشی را انجام می‌دهد. حضور نمایندگان دادگستری و شورای شهر در مراسم قرعه‌کشی الزامی است.

تبصره یک: در ترکیب هیأت منصفه هر محکمه از یک صنف یا گروه اجتماعی نباید بیش از دو نفر از طریق قرعه‌کشی انتخاب شوند.

تبصره ۲: در صورتی که به تشخیص دادگاه رسیدگی به اتهام، فوریت داشته باشد و امکان رسیدگی نیز فراهم باشد رعایت ده روز مذکور در این ماده الزامی نیست و دبیر هیأت منصفه موظف است ضمن همکاری با قاضی مربوط اعضاء هیأت منصفه دادگاه را در موعد مقرر معرفی نماید.

ماده ۷: در تهران دادگاه با حضور حداقل یازده نفر و در استانها با حضور نه نفر از اعضاء هیأت منصفه تشکیل شده و رسمیت خواهد یافت. ملاک تصمیم‌گیری هیأت منصفه آراء اکثریت حاضران خواهد بود. از مقایسه مواد یاد شده نکات ذیل دریافت می‌گردد:

۱- یکی از نقاط مثبت و برجسته قانون جدید هیأت منصفه، انتصابی نبودن عضویت در هیأت منصفه می‌باشد. در قوانین سابق، عموماً اعضاء هیأت منصفه توسط یک هیأت انتخاب کننده انتصاب و تعیین می‌شدند. در حالی که قانون جدید با تغییر شیوه انتصابی به انتخابی از طریق پیش‌بینی روش اعلام عمومی و جمع‌آوری تقاضای داوطلبان عضویت و

انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل به قید قرعه از میان لیست متقاضیان عضویت در هیأت منصفه و گسترش طیف انتخاب‌شوندگان ترکیب هیأت منصفه را تا حدود زیادی متغیر و غیرقابل پیش‌بینی نموده است و قانون جدید از این لحاظ توانسته است در جهت تحقق فلسفه وجودی هیأت منصفه گام بردارد.

البته راه‌های دیگری نیز برای تحقق مشارکت واقعی مردم پیشنهاد گردیده است. به نظر برخی از نویسندگان، اعضای هیأت منصفه باید همانند نمایندگان مجلس شورای اسلامی و یا شوراهای اسلامی از طریق انتخابات مردمی تعیین شوند.^۱ برخی معتقدند یک راه تشکیل هیأت منصفه واگذاری حق انتخاب اعضای آن به شوراهای محلی است همان‌گونه که شهردار منتخب آنان است چرا که شورای محلی تا حدود قابل قبولی برآیند افکار عمومی جامعه است.^۲ راه حل دیگر همان شیوه‌ای است که در دو قانون موقت هیأت منصفه مصوب ۱۳۰۱ و قانون محاکمه وزراء هیأت منصفه مصوب ۱۳۰۷ مقرر گردیده بود و آن انتخاب اعضای هیأت منصفه به قید قرعه از میان کسانی بود که در انتخابات مجلس شورای ملی حائز اکثریت آراء مردم شده بودند (به جز نمایندگان انتخابی مجلس).

به هر حال قانون جدید هیأت منصفه راه حل منطقی‌تری را برای انتخاب اعضای هیأت منصفه مقرر داشته است چرا که اساساً در این روش اعضا به وسیله قرعه از میان کسانی که خود متقاضی عضویت شده‌اند انتخاب می‌شوند. و بدین وسیله مشارکت واقعی مردم در دادرسی به نحو مطلوب‌تری محقق خواهد شد.

۲ - توسعه طیف انتخاب‌شوندگان به اقشار گوناگون جامعه از نقاط قابل توجه دیگر قانون جدید هیأت منصفه می‌باشد. در قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ هیأت انتخاب‌کننده مذکور در ماده ۳۶ آن اعضای هیأت منصفه را از میان طبقات و گروه‌های پانزده‌گانه مندرج در این ماده انتخاب می‌کردند. و این در حالی است که هیأت منصفه که

۱. محمدابراهیم لاری، نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران، ص ۱۴۵.

۲. احمد فتحی، فن دفاع، امور اجتماعی، ج سوم، ص ۱۲۰، انتشارات اشکان ۱۳۸۰.

چکیده و عصاره افکار و نظرات جامعه هستند باید هرچه بیشتر تنوع داشته و از سایر گروه‌های اجتماعی نیز در آن حق عضویت داشته باشند. بدین جهت در قانون جدید هیأت منصفه و به موجب ماده ۲ قانون گذار با لحاظ قید «نظیر» و بیان مهمترین مصادیق اقشار جامعه از باب تمثیل عضویت هیأت منصفه را به تمامی اقشار جامعه گسترش و توسعه داده است. و نتیجتاً در حال حاضر هیأت منصفه انتخابی برآیند طبقات، گروهها و گرایش‌های اجتماعی مختلف می‌باشد. همچنین پیش‌بینی حضور وکیل یا نماینده متهم و شاکی و نمایندگان دادگستری و شورای شهر در مراسم قرعه‌کشی در ماده ۶ و این که در تبصره همین ماده تأکید شده بر این که در ترکیب اعضای هیأت منصفه هر محکمه از یک صنف و گروه اجتماعی نباید بیش از دو نفر از طریق قرعه‌کشی انتخاب شوند به نحو شایسته‌تری حضور اقشار مختلف جامعه در هیأت منصفه تضمین گردیده است.

۳ - افزایش مدت عضویت در هیأت منصفه: در ماده ۲ قانون جدید هیأت منصفه مدت عضویت چهار سال تعیین گردیده است در حالی که مدت عضویت در هیأت منصفه در قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ دو سال بوده است.

۴ - با عنایت به این که در قانون جدید هیأت منصفه پیش‌بینی گردیده که حداقل سه ماه قبل از پایان دوره هیأت منصفه باید برای انتخاب هیأت منصفه جدید اقدام شود به نحوی که حداقل یک هفته قبل از اتمام دوره هیأت منصفه اعضای بعدی مشخص شده باشند، لذا با اتخاذ این شیوه همواره هیأت منصفه در محاکمات مطبوعاتی و سیاسی حضور خواهد داشت، هرچند تبصره یک ماده ۳۶ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ نیز مقرر داشته بود که چنانچه در مهلت مقرر نسبت به انتخاب اعضای هیأت منصفه اقدام نشود رئیس کل دادگستری مکلف می‌باشد نسبت به دعوت افراد یاد شده و انتخاب هیأت منصفه اقدام نماید، ولی اجرای این شیوه خلاء هیأت منصفه را با تأخیر جبران می‌نمود و در عمل رسیدگی به برخی از محاکمات مطبوعاتی و سیاسی را با مشکل مواجه می‌ساخت.

۵ - هرچند قانون جدید هیأت منصفه در ماده ۳ از انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل سخن به میان آورده ولی تعداد اعضای اصلی و علی‌البدل و نحوه انتخاب آنها و نحوه

شرکت اعضای اصلی و علی‌البدل را مشخص نکرده است. و از این جهت در مقایسه با قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ که در آن اصولاً سخنی از اعضای علی‌البدل نشده جامع‌تر به نظر می‌رسد ولی به هر حال بهتر این بود که در این قانون موارد یاد شده تعیین تکلیف می‌گردید و ملاک تعیین اعضای علی‌البدل و انضمام آنها به اعضای اصلی جهت تکمیل هیأت منصفه مثلاً در فرض غیبت مشخص می‌گردید. در تبصره ۲ ماده ۳۸ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ آمده بود «چنانچه در دو جلسه رسیدگی به یک پرونده مطبوعاتی، هیأت منصفه به حد نصاب نرسد دادگاه در جلسه سوم با حضور افراد حاضر حداقل تعداد پنج نفر رسیدگی می‌نماید. با توجه به این که در خصوص این مورد قانون جدید هیأت منصفه ساکت است به نظر می‌رسد تبصره مذکور همچنان به قوت خود باقی می‌باشد.

۶- به موجب ماده ۷ قانون جدید هیأت منصفه دادگاه با حضور حداقل یازده نفر و در استانها با حضور نه نفر تشکیل و رسمیت می‌یابد که در مقایسه با قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ که مقرر می‌داشت دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضای هیأت منصفه رسمیت خواهد داشت تعداد اعضای هیأت منصفه افزایش یافته است.

۷- در قانون جدید هیأت منصفه امور اجرایی انتخاب اعضای هیأت منصفه در هر استان به قوه قضاییه با مشارکت رئیس شورای استان و دو نفر از نمایندگان آن استان به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر واگذار گردیده است در قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ امور اجرایی مربوط به انتخاب هیأت منصفه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی محول گردیده است.

۸- به موجب قانون هیأت منصفه، دبیرخانه هیأت منصفه زیر نظر هیأت منصفه انجام وظیفه می‌کند و بودجه آن از محل کمک‌های اهدایی تأمین خواهد شد ولی مطابق تبصره ۳ ماده ۳۸ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ دبیرخانه هیأت منصفه با بودجه و امکانات قوه قضاییه تشکیل و زیر نظر هیأت منصفه انجام وظیفه می‌نماید هرچند مطابق قانون جدید ممکن است دبیرخانه هیأت منصفه به جهت آن که تنها از طریق کمک‌های اهدایی

تأمین می‌گردد از نظر مالی با مشکلاتی برخورد نماید ولی همین مقدار که با امکانات حکومتی و دولتی اداره نمی‌شود استقلال رأی هیأت منصفه در مقابل قوای عمومی و حاکمیت هرچه بیشتر تضمین خواهد شد.

۹ - مطابق ماده ۹ قانون جدید هیأت منصفه «چنانچه هر یک از اعضای هیأت منصفه بدون عذر موجه در چهار جلسه متوالی یا شش جلسه متناوب در دادگاه حاضر شوند و یا به همین ترتیب از شرکت در اتخاذ تصمیمات خودداری کنند با حکم همان دادگاه به دو سال محرومیت از عضویت در هیأت منصفه محکوم می‌شوند.

تبصره: هر یک از اعضای هیأت منصفه که با عذر موجه نتواند در جلسه دادگاه حاضر شود موظف است دو روز قبل از جلسه دادرسی مراتب معذوریت خود را به طور کتبی و مستدل به استحضار دادگاه برساند در صورتی که سبب عذر بعداً حادث گردد باید در اولین فرصت ممکن مراتب به اطلاع دادگاه رسانده شود. در غیر این صورت عذر وی غیر موجه محسوب می‌گردد عذر موجه در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی احصا شده است».

در قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ غیبت غیرموجه و عدم شرکت در اتخاذ تصمیم در دو جلسه متوالی و پنج جلسه متناوب دادگاه موجب محرومیت از عضویت در هیأت منصفه با حکم دادگاه دادرسی‌کننده می‌شد و رأی دادگاه در این خصوص قطعی بود. سوالی که در اینجا قابل طرح است آن است که با سکوت قانون جدید هیأت منصفه، رأی دادگاه در این خصوص قطعی است یا قابل تجدیدنظر؟ به نظر می‌رسد در اینجا باید قائل به تفصیل شد در محاکمات مطبوعاتی به اعتبار حکم ماده ۳۹ قانون مطبوعات مبنی بر قطعیت حکم دادگاه نظر داد ولی در محاکمات جرایم سیاسی باید مطابق قانون آیین دادرسی در امور کیفری نسبت به قطعیت یا قابل تجدیدنظر بودن آن عمل نمود.

شایان ذکر است که جهات عذر موجه به قرار زیر است:

- نرسیدن احضارنامه یا دیررسیدن به گونه‌ای که مانع از حضور در وقت مقرر باشد.

- مرضی که مانع حرکت است.
- فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم.
- ابتلا به حوادث مهم از قبیل حریق و امثال آن.
- عدم امکان تردد به واسطه حوادث قهری و امراض مسری و در توقیف بودن.
- قانون جدید هیأت منصفه از جهت عدم پیش‌بینی نحوه جایگزینی عضو هیأت منصفه دارای عذر موجه نقص دارد.
- ۱۰ - موارد رد اعضای هیأت منصفه در قانون جدید هیأت منصفه به مانند قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ همان است که در مورد رد صلاحیت قضات پیش‌بینی گردیده است که مطابق ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ که عبارتند از:
- الف (وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین عضو هیأت منصفه با یکی از طرفین دعوی یا اشخاصی که در امر جزایی دخالت دارند.
- ب (عضو هیأت منصفه قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور عضو هیأت منصفه باشد.
- ج (عضو هیأت منصفه یا همسر یا فرزند آنان وارث یکی از اشخاصی باشد که در امر جزایی دخالت دارند.
- د (عضو هیأت منصفه در همان امر جزایی قبلاً اظهار نظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین باشد.
- ه) بین عضو هیأت منصفه و یکی از طرفین یا همسر و یا فرزند او دعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.
- و) عضو هیأت منصفه یا همسر یا فرزندان آنان نفع شخصی در موضوع مطروح داشته باشند.
- از آنجا که در جرایم سیاسی و مطبوعاتی حکومت خود طرف دعواست و رعایت

بی‌طرفی کامل به جهت این که دادگاه خود از اجزای قوه قضاییه و حکومت است دشوار به نظر می‌آید از این رو حضور و اظهار نظر هیأت منصفه در دادرسی بهترین راه حل برای صدور آراء عادلانه‌تر و تضمین حقوق و آزادی‌های افراد است مشروط به این که هر یک از اعضای هیأت منصفه نیز در اتخاذ تصمیم رعایت انصاف و بی‌طرفی کامل را بنمایند.

از این رو است که در قانون جدید هیأت منصفه در مواد ۱۰ و ۱۱ به این مسأله مهم یعنی بی‌طرفی کامل تأکید شده است. در ماده ۱۰ این قانون نیز چنین آمده است «اعضای هیأت منصفه بعد از انتخاب در جلسه‌ای در برابر قرآن کریم به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنند که بدون در نظر گرفتن گرایش‌های شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت، تقوا و امانت‌داری در راه احقاق حق و باطل انجام وظیفه نمایند.»

قانون جدید هیأت منصفه تنها به بیان موارد رد هیأت منصفه اکتفا نموده است بنابراین برای تعیین مرجع صالح جهت پذیرش درخواست رد اعضای هیأت منصفه و نیز آیین دادرسی حاکم بر آن و جزئیات مسأله باید مطابق مواد ۴۷ تا ۵۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ عمل نمود، مگر آن که حکم این موارد به وسیله آیین‌نامه اجرایی قانون هیأت منصفه مقرر گردد که در این صورت بر طبق آیین‌نامه اجرایی عمل خواهد شد.

ج - شرایط اعضای هیأت منصفه

مطابق ماده ۴ قانون هیأت منصفه، اعضای هیأت منصفه باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- تابعیت جمهوری اسلامی ایران

۲- مسلمان بودن

۳- التزام عملی به قانون اساسی

۴- حداقل سی‌سال سن

۵- عدم محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی

۶- داشتن حداقل مدرک دیپلم متوسطه یا معادل آن در علوم حوزوی

مطابق ماده ۳۷ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ شرایط عضویت در هیأت منصفه

عبارت بودند از:

۱- داشتن حداقل سی سال سن و تأهل

۲- نداشتن سابقه محکومیت موثر کیفری

۳- اشتها به امانت، صداقت و حسن شهرت

۴- صلاحیت علمی و آشنایی با مسائل فرهنگی و مطبوعاتی

بنابراین ملاحظه می‌شود که قانون جدید هیأت منصفه با حفظ برخی از شرایط قانون مطبوعات از قبیل شرط حداقل سی سال سن، شرایط جدیدی را برای عضویت مقرر داشته است.

قانون هیأت منصفه از جهت این که برخی از شرایط قانونی قبلی از قبیل تأهل و صلاحیت علمی را از زمره شرایط عضویت در هیأت منصفه حذف نموده قابل دفاع می‌باشد ولی بهتر بود که قانونگذار شرایطی از قبیل آشنایی با مسائل فرهنگی، مطبوعاتی، سیاسی و اجتماعی را به شرایط عضویت در هیأت منصفه می‌افزود چرا که استناد به رأی و نظر فردی که نسبت به مسائل اجتماعی سیاسی و مطبوعاتی اطلاع ندارد معقول و منطقی به نظر نمی‌رسد.

قانون هیأت منصفه از دو جهت زیر دارای ابهام است: اول این که آیا استمرار شرایط مقرر در ماده ۴ در مورد اعضای هیأت منصفه نیز لازم است و دوم این که در صورتی که عضو انتخاب شده هیأت منصفه پس از انتخاب شدن یکی از شرایط قانونی مقرر را از دست بدهد تکلیف چیست؟

با عنایت به اطلاق ماده ۴ به نظر می‌رسد که هر عضو هیأت منصفه باید هم در زمان انتخاب شدن و هم پس از انتخاب شدن مادامی که عنوان عضو هیأت منصفه را داراست شرایط مقرر قانونی را داشته باشد. با این حال ارجح این بود که قانون‌گذار در قانون هیأت منصفه به طور شفاف به این موضوع می‌پرداخت و حکم صریح آن را بیان می‌داشت.

در حقوق برخی از کشورها مثل انگلستان برای طرفین دعوا، دادستان و قاضی دادگاه با شرایطی حق جرح هیأت منصفه پیش‌بینی شده است بنابراین از آنجا که ممکن است عضو هیأت منصفه بعد از انتخاب شدن فاقد صلاحیت لازم گردد لذا بهتر بود که قانونگذار

امکان جرح هیأت منصفه به وسیله متهم، قاضی و دادستان و شرایط آن را در قانون پیش‌بینی می‌نمود.

در قانون هیأت منصفه مصوب ۱۳۱۰ یکی از شرایط اعضای هیأت منصفه، نبودن در استخدام دولتی یا بلدی بود. برخی در این رابطه معتقدند که حق این بود که در قانون مصوب شورای انقلاب نیز چنین شرطی پیش‌بینی می‌شد تا نداشتن وابستگی اعضای هیأت منصفه به قدرت عمومی و نمایندگان آنها از افکار عمومی هرچه بیشتر تضمین می‌گردید.^۱

د - نحوه شرکت هیأت منصفه در دادرسی و رأی

گفته شد به جرایم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود.^۲

دادگاه با حضور حداقل یازده نفر در تهران و با حضور نه نفر در استانها از اعضای هیأت منصفه تشکیل شده و رسمیت می‌یابند. دبیر هیأت منصفه ده روز قبل از زمان برگزاری دادگاه با دعوت از افراد مذکور در ماده ۶ قرعه‌کشی را انجام و هیأت منصفه را انتخاب و معرفی می‌نماید (در تهران ۲۱ نفر و در سایر مراکز استانها ۱۴ نفر).

در صورتی که به تشخیص دادگاه رسیدگی به اتهام فوریت داشته باشد و امکان رسیدگی هم فراهم باشد رعایت ده روز مذکور در ماده ۶ الزامی نیست و دبیر هیأت منصفه موظف است ضمن همکاری با قاضی مربوط اعضای هیأت منصفه دادگاه را در موعد مقرر معرفی نماید.

دادگاه با حضور اعضای هیأت منصفه و بر طبق مقررات آیین دادرسی کیفری به موضوع رسیدگی می‌نماید. حضور اعضای هیأت منصفه تا پایان جلسات دادگاه الزامی است هرگاه در حین محاکمه اعضای هیأت منصفه سؤالی داشته باشند مراتب را کتباً

۱. محمدابراهیم انصاری لاری، نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران، ص ۱۴۶.

۲. با توجه به قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت سایر مقررات در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌باشد.

جهت طرح تسلیم رئیس دادگاه می‌کنند. (ماده ۱۲)

ماده ۱۳ قانون هیأت منصفه، نحوه مشارکت هیأت منصفه در رأی را به شرح زیر مقرر داشته است:

«پس از اعلام ختم رسیدگی اعضای هیأت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می‌دارند:

الف) متهم بزهکار، است یا خیر؟ ب - در صورت بزهکاری، آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

تبصره: پس از اعلام نظر هیأت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید».

در ذیل ماده ۷ نیز آمده است که ملاک تصمیم‌گیری هیأت منصفه آراء اکثریت حاضران خواهد بود. مطابق تبصره یک ماده ۳۸ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ تصمیمات هیأت منصفه با اکثریت مطلق عده حاضر معتبر بود.

اعضای هیأت منصفه علاوه بر حضور مکلف به شرکت در اتخاذ تصمیم می‌باشند (مفهوم ماده ۹ قانون هیأت منصفه)

سؤال مهمی که در این مبحث مطرح می‌شود آن است که آیا دادگاه ملزم به پذیرش نظر هیأت منصفه می‌باشد یا خیر؟ قانون جدید هیأت منصفه در این باره ساکت است. یک نظر آن است که دادگاه الزامی به پذیرش نظر هیأت منصفه ندارد و می‌تواند برخلاف نظر هیأت منصفه رأی صادر نماید این نظر با فلسفه وجودی هیأت منصفه منافات دارد. برداشت دیگری که از تبصره ماده ۱۳ می‌تواند مطرح باشد آن است که دادگاه باید براساس نظر هیأت منصفه و طبق قانون مبادرت به صدور رأی نماید. در نظریه اخیر اصل استقلال قضاوت نقض و نادیده گرفته شده است.

قابل ذکر است که به موجب تبصره ۲ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ دادگاه می‌توانست در صورتی که تصمیم هیأت منصفه بر بزهکاری بود رأی بر برائت صادر کند. به منظور جمع میان این دو نفر می‌توان گفت که اگر رأی هیأت منصفه مبنی بر

بیگناهی متهم باشد دادگاه باید او را تبرئه کند و در صورتی که رأی هیأت منصفه مبنی بر بزهکاری باشد دادگاه در صدور رأی مجرمیت یا برائت مخیر خواهد بود به هر حال شایسته است که قانونگذار برای رفع ابهام از این موضوع بسیار مهم و حساس حکم صریحی را مقرر نماید.

در موضوع نحوه شرکت هیأت منصفه در جریان رسیدگی و رأی، ابهامات دیگری نیز وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- آیا حضور هیأت منصفه در مرحله تجدیدنظر لازم است یا خیر؟ در این خصوص نیز قانون هیأت منصفه حکم صریحی را مقرر نکرده است و با توجه به این که در حال حاضر مرجع تجدیدنظر نسبت به آراء صادره از دادگاه کیفری استان، دیوان عالی کشور می‌باشد، و رسیدگی در دیوان کشور رسیدگی شکلی است نه ماهوی، بنابراین در رسیدگی دیوان عالی کشور به منظور تایید یا نقض آراء تجدیدنظرخواهی شده فقط در خصوص ایرادات شکلی اظهار نظر می‌نماید و چنانچه در صدور آراء تشریفات قانونی رعایت نشده باشد بعد از نقض آن را به دادگاه هم عرض دیگر ارجاع خواهد داد.

از این رو حضور هیأت منصفه در رسیدگی دیوان به آراء تجدیدنظرخواهی شده ضروری به نظر می‌رسد. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷۲۸۹۵ مورخ ۱۳۷۷/۴/۲۷ اشعار داشته است: «مستنداً به ماده ۳۴ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه به عمل می‌آید بنابراین در صورت تعیین جلسه در هر مرحله از رسیدگی باشد بایستی با حضور هیأت منصفه صورت پذیرد زیرا در ماده مذکور حضور هیأت منصفه به طور مطلق ذکر شده و شامل مرحله تجدیدنظر هم می‌شود.» بنابراین نظر، در صورتی که مرجع تجدیدنظر اعتراض محکوم علیه را وارد ندید می‌تواند بدون نیاز به تشکیل جلسه دادرسی حکم صادره را عیناً تأیید کند و در صورتی که در مرحله تجدیدنظر نیاز به اظهار نظر ماهوی باشد حضور هیأت منصفه الزامی خواهد بود.

۲- با فرض نیاز به حضور هیأت منصفه در مرحله تجدیدنظر آیا این هیأت منصفه باید همان هیأت منصفه دادگاه نخستین باشد؟ اداره حقوقی قوه قضاییه در ادامه نظریه

فوق‌الاشاره اشعار داشته است «مطابق اصول و قواعد کلیه کسانی که در جلسه و مرحله بدوی به نحوی از انحاء اظهارنظر نموده‌اند در مرحله ثانوی حق اظهارنظر ندارند بنا به مراتب بایستی هیأت منصفه دیگری در دادگاه تجدیدنظر اظهار نظر نمایند.» برخی از نویسندگان حقوقی با پذیرش لزوم حضور هیأت منصفه در مرحله تجدیدنظر معتقدند که هیأت منصفه در دو دادگاه نمی‌تواند متفاوت باشد زیرا افکار عمومی یک حادثه مشخص مقید به زمان و مکان واحد نمی‌تواند دارای دو نظر مختلف باشد.^۱ نظریه اداره حقوقی با عنایت با قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ در این زمینه قابل دفاع است ولی در حال حاضر با توجه به عدم پیش‌بینی هیأت منصفه مرحله تجدیدنظر در این زمینه ابهام وجود دارد.

۳ - آیا به تصمیم و نظر هیأت منصفه می‌توان اعتراض کرد؟ با توجه به سکوت قانون هیأت منصفه و قانون مطبوعات، در این زمینه نیز خلأ قانونی وجود دارد. البته در طرح اصلاحی قانون مطبوعات مجلس ششم که به موجب نامه مقام معظم رهبری از دستور کار مجلس خارج گردید به این موضوع در تبصره ۴ ماده ۴۳ طرح مزبور اشاره شده بود: «تصمیم هیأت منصفه قابل اعتراض و نقض در دیوان عالی کشور و یا سایر مراجع تجدیدنظر نیست. اعتراض به رأی دادگاه... با رعایت سایر قوانین مسموع است.»

۴ - آیا حضور هیأت منصفه در مرحله تحقیقات مقدماتی لازم است؟ با توجه به قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و احیای دادرسی، از آنجا که در حال حاضر رسیدگی‌های مقدماتی در مرجعی به نام دادرسی عمومی و انقلاب صورت می‌گیرد و با عنایت به ذیل ماده یک قانون هیأت منصفه که مقرر می‌دارد «هیأت منصفه در دادگاه‌های تحت نظر قوه قضاییه تشکیل می‌گردد و تأکید ذیل ماده ۷ همین قانون که اعضای هیأت منصفه را مکلف به حضور تا پایان جلسات دادگاه‌ها کرده است، به نظر می‌رسد که حضور هیأت منصفه در مرحله تحقیقات لازم نیست ولی آنها می‌توانند با مطالعه پرونده از نتیجه تحقیقات مقدماتی در دادرسی آگاه شوند.

تبصره ۴ ماده ۴۳ قانون مطبوعات اصلاحی مقرر می‌داشت:

«حضور هیأت منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی لازم نیست.»

۵ - قانون هیأت منصفه در مورد محرمانه بودن یا نبودن مذاکرات هیأت منصفه نیز ساکت است. دکتر بوشهری در این زمینه می‌گوید «هر گفت‌گو، مباحثه، اظهارنظر و رأی هر یک از اعضای هیأت منصفه محرمانه است هر کس آنها را تحصیل یا افشا نماید یا درصدد دسترسی به هیأت منصفه یا عضو آن برآید مجازات می‌شود.»^۱ به اعتقاد ایشان برای حفظ استقلال رأی اعضای هیأت منصفه و عدم دسترسی متهمان به آنها مذاکرات هیأت منصفه باید سری باشد. در حقوق انگلستان نیز شورهای هیأت منصفه سری است. لذا بهتر بود در قانون هیأت منصفه برای جلوگیری از اخلال در روند دادرسی‌های سیاسی و مطبوعاتی به محرمانه بودن مذاکرات هیأت منصفه تصریح می‌نمود.

البته از آنجا که در حال حاضر اعضای هیأت منصفه با قرعه و به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند و این که اعضای هیأت منصفه باید بلافاصله پس از اعلام ختم رسیدگی اظهارنظر نمایند احتمال بروز اخلال در روند دادرسی به جهت امکان دسترسی متهمان به اعضای هیأت منصفه بسیار ضعیف می‌باشد.

۶ - موضوع آخری که به مناسبت به آن اشاره می‌کنیم این است که آیا به جرم

نویسنده هم باید با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود؟

یکی از ابهاماتی که تا تصویب قانون اصلاحی مطبوعات سال ۱۳۷۹ وجود داشت در مورد مسئولیت سایر دست‌اندرکاران امر مطبوعات مثل نویسندگان مطبوعاتی بود چرا که به موجب قانون مطبوعات ۱۳۶۴ مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسید تنها به عهده مدیر مسئول گذاشته شده بود. با تصویب تبصره ۷ ماده ۹ قانون اصلاحی در سال ۱۳۷۹ به مسئولیت کیفری نویسنده و سایر اشخاص که در ارتکاب جرم دخالت داشته‌اند تصریح گردید.

در پاسخ این سوال باید گفت گرچه جرم نویسنده و پدیدآورنده، جرمی مستقل از جرم مطبوعاتی مدیر مسئول است به دلیل این که مقدمه ضروری در رسیدگی به جرم مطبوعاتی مدیرمسئول، اظهارنظر در خصوص مطلب منتشره و مجرمانه بودن یا نبودن آن است تصمیم در خصوص آن نیز از لحاظ منطقی باید به عهده هیأت منصفه باشد از بعد عملی و آیین دادرسی نیز به دلیل ارتباط کامل جرم نویسنده و مدیرمسئول و جهت جلوگیری از آرای متناقض در این زمینه لازم است هر دو جرم در مرجع قضایی واحد و با روش واحد از جمله حضور هیأت منصفه رسیدگی شود این تفسیر با اطلاق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و یا تعریف جرم مطبوعاتی سازگار است ولی رویه قضایی این دیدگاه را نپذیرفته و تاکنون نویسنده یا پدیدآورنده اثر مطبوعاتی در دادگاهی با حضور هیأت منصفه محاکمه نشده‌اند.

نتیجه‌گیری:

در حقوق ایران صلاحیت محدود هیأت منصفه (رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی) پذیرفته شده است، عدم پذیرش مطلق هیأت منصفه با فلسفه خاص حمایت از آزادی‌های سیاسی و مطبوعاتی دارای توجیه منطقی است. سپردن سرنوشت دادرسی پرونده‌های سیاسی و مطبوعاتی به تصمیم هیأت منصفه به عنوان نمایندگان جامعه مانع دادگاهها به عنوان نمایندگان حاکمیت و در نتیجه حفظ حقوق و آزادی‌های سیاسی و مطبوعاتی می‌شود. از مجموع مباحثی که در این نوشتار از بررسی و مقایسه قانون جدید هیأت منصفه مطرح گردید نتایج زیر به اختصار به دست می‌آید:

۱- مطابق قانون جدید هیأت منصفه به جرایم مطبوعاتی و سیاسی با هیأت منصفه واحدی رسیدگی می‌شود.

۲- در قانون جدید هیأت منصفه با پیش‌بینی شیوه انتخابی به جای انتصابی از طریق انجام قرعه‌کشی از میان لیست داوطلبان عضویت توانسته است در جهت فلسفه وجودی هیأت منصفه گام بردارد.

۳- توسعه طیف انتخاب شوندگان به اقشار مختلف جامعه و افزایش مدت اعضاء در هیأت منصفه و تعداد آنان از ویژگی‌های دیگر قانون جدید هیأت منصفه می‌باشد.

۴- به موجب قانون جدید هیأت منصفه امور اجرایی مربوط به اعضای هیأت منصفه

به رییس قوه قضاییه محول گردیده است ولی پیش‌بینی گردیده است که بودجه دبیرخانه هیأت منصفه از محل کمک‌های اهدایی تأمین می‌گردد که این امر استقلال هیأت منصفه در مقابل قوای عمومی و حاکمیت را هر چه بیشتر تضمین می‌نماید.

۵ - علی‌رغم پیش‌بینی نقاط قوت در قانون هیأت منصفه، به دلیل سکوت این قانون در موارد زیر با ابهام و اجمال مواجه می‌باشیم:

الف) تعداد و نحوه انتخاب و شرکت اعضای علی‌البدل در هیأت منصفه.
ب) تکلیف آن دسته از اعضای هیأت منصفه که پس از انتخاب فاقد شرایط قانونی شده‌اند.

ج) حدود صلاحیت هیأت منصفه و چگونگی شرکت هیأت منصفه در رأی.

د) لزوم حضور هیأت منصفه در مرحله تجدیدنظرخواهی.

ه) امکان حضور هیأت منصفه دادگاه نخستین در مرحله تجدیدنظر.

و) حضور هیأت منصفه در مرحله تحقیقات مقدماتی.

ز) محرمانه بودن یا نبودن مذاکرات هیأت منصفه.

با توجه به ابهامات یاد شده پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ایران از طریق اصلاح قانون جدید هیأت منصفه و با الحاق مواد جدیدی به آن، خلأهای موجود را جبران نموده و حکم صریحی را برای هر یک از موارد پیش گفته مقرر سازد.

۶ - قانون جدید هیأت منصفه شرایطی را برای عضویت در هیأت منصفه مقرر داشته است که به نظر می‌رسد لحاظ شرط آگاهی از مسایل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مطبوعاتی نیز به عنوان یکی از شرایط عضویت در هیأت منصفه ضروری و لازم بوده است که امید است در اصلاح قانون این مسأله نیز مورد توجه واقع گردد.